

۶ اگر بخواهیم به یک آدم یا یک شیء که نزدیک ماست اشاره کنیم (مثلاً بگوییم: این دانش‌آموز) از هَذَا یا هَذِهِ استفاده می‌کنیم؛ این جور:

هَذَا برای اسم‌های مذکر:

هَذَا الْكِتَابُ (این کتاب)



هَذَا الطَّالِبُ (این دانش‌آموز پسر)

مثال



هَذِهِ برای اسم‌های مؤنث:

هَذِهِ اللَّوْحَةُ (این تابلو)



هَذِهِ الطَّالِبَةُ (این دانش‌آموز دختر)

مثال



۷ اگر بخواهیم به یک آدم یا یک شیء که دور از ماست اشاره کنیم (مثلاً بگوییم: آن معلم) از ذَلِكَ و تِلْكَ استفاده می‌کنیم؛ این جور:

ذَلِكَ برای اسم‌های مذکر:

ذَلِكَ الْجَبَلُ (آن کوه)



ذَلِكَ الْمُعَلِّمُ (آن معلم مرد)

مثال



تِلْكَ برای اسم‌های مؤنث:

تِلْكَ الشَّجَرَةُ (آن درخت)



تِلْكَ الْمُعَلِّمَةُ (آن معلم زن)

مثال



القسم الثانی (نور الکتام)

۱ اگر به آخر اسمی «ان» یا «تین» چسبیده باشد، معنی دوتایی دارد.

مثال



طالب (دانش آموز) ← طالبان
← دو دانش آموز



مَرأة (زن) ← مَرأتان
← دو زن



به این جور اسم‌ها در عربی «مثنی»^۱ گفته می‌شود؛ مثنی یعنی اسمی که بر دو شخص، یا دو چیز دلالت می‌کند؛

پس اگر بخواهیم به عربی بگوییم «دو معلم مرد»، می‌گوییم: مُعَلِّمَان یا مُعَلِّمَتَيْن، و اگر بخواهیم بگوییم «دو معلم زن» می‌گوییم: مُعَلِّمَاتان یا مُعَلِّمَتَيْن. یعنی:

اسم مثنی = اسم مفرد + «ان» یا «تین»

نکته حواستون به شکل «ة» و «ت» موقع ساختن اسم مثنی باشه:

مُعَلِّمَة + ان ← مُعَلِّمَاتان

طالِبَة + تین ← طالِبَتَيْن

۲ حالا اگر بخواهیم به دوتا آدم یا دوتا شیء که نزدیک ما هستند اشاره کنیم، چه کار می‌کنیم؟

برای اشاره به اسم‌های مثنی که نزدیک ما هستند، از هذان و هاتان استفاده می‌کنیم؛ این جوری:

● هذان برای اسم‌های مذکر، مثل: هذانِ الْوَالِدَانِ (این دو پسر) - هذانِ الْكُرْسِيَانِ (این دو صندلی)

● هاتان برای اسم‌های مؤنث، مثل: هاتانِ الْبَنَاتِ (این دو دختر) - هاتانِ الْوَرْدَتَانِ (این دو گل)

القسم الثالث (کنز الکنوز)

توی فارسی آله بخواهیم یک اسم رو جمع بپذیریم، بیشترِ مواقع‌ها از علامتِ «ها» استفاده می‌کنیم. مثلاً: معلم‌ها - کتاب‌ها - بچه‌ها، اما گاهی از

علامت‌های دیگرهای هم برای جمع بستن استفاده می‌کنیم؛ مثل: بازیکنان - مسابقات - ...

توی عربی به سه‌تا به بالا «جمع» می‌گویند و مثل فارسی برای جمع بستن اسم‌ها علامت‌های خاصی وجود دارد که خیلی ساده هستند؛ ببینید:

۱- «مثنی» رو باید «مثناء» بخونیم؛ بعضی وقت‌ها در عربی، الف به صورت «ئ» نوشته می‌شه و صدای «آ» می‌ده. توی فارسی هم از کلمه‌های این‌مدلی داریم: مثل: مرتضی، مصطفی، موسی و ...

۱ برای جمع بستن یک اسم مذکر، به آخر آن «ون» یا «ین» می‌چسبانیم. این جوری:



معلم (یک معلم) ← معلمون
معلمین ← معلم‌های مرد



لاعب (بازیکن) ← لاعبون
لاعبين ← بازیکنان



به این مدل جمع‌ها که با «ون» و «ین» ساخته می‌شوند، «جمع مذکر سالم» گفته می‌شود. پس:

جمع مذکر سالم = اسم مفرد مذکر + «ون» یا «ین»

۲ برای جمع بستن یک اسم مؤنث علامت «ة» یا «ة» را از آخر اسم حذف می‌کنیم و به جای آن یک «ات» اضافه می‌کنیم، این جوری:



معلمة ← معلمات (معلم‌های زن)



طالبة ← طالبات (دانش‌آموزان دختر)



به این مدل جمع‌ها هم که با «ات» ساخته می‌شوند، «جمع مؤنث سالم» گفته می‌شود. پس:

جمع مؤنث سالم = اسم مفرد مؤنث بدون «ة» + «ات»

۳ بعضی اسم‌ها به صورت مکسر (یعنی شکسته) جمع بسته می‌شوند؛ یعنی به جای این‌که علامتی به آخر آن‌ها اضافه شود، شکل آن‌ها به هم

می‌ریزد.

مثال: طفل ← اطفال ولد ← اولاد كتاب ← کتب عبّرة ← عبرت

توی فارسی هم از جمع‌های مکسر عربی استفاده می‌کنیم! (مثال) مدارس (جمع مدرسه) - امور (جمع امر) - دقاتر (جمع دقتر) ...

هواستون باشه که سافتن جمع مکسر فرمول قاعده ندراره و باید، به کمک تمرین و تکرار، اون‌ها رو یاد بگیریر!

۴ اشاره کردن به اسم‌های جمع، خیلی راحت و ساده است!

اگر بخواهیم به چند آدم یا چند چیز که نزدیک ما هستند اشاره کنیم، برای مذکر و مؤنث از «هُؤُلَاءِ» استفاده می‌کنیم؛ این جور:

هُؤُلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ ← این معلم‌های مرد) هُؤُلَاءِ الْمُعَلِّمَاتُ ← این معلم‌های زن)



اگر هم بخواهیم به چند آدم یا چند شیء که دور از ما هستند اشاره کنیم، برای مذکر و مؤنث از «أُولَئِكَ» استفاده می‌کنیم؛ این جور:

أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ ← آن دانش‌آموزان (دختر) أُولَئِكَ اللَّاعِبُونَ ← آن بازیکنان



نکته بچه‌ها، «هُؤُلَاءِ» به تنهایی یعنی «این‌ها» و «أُولَئِكَ» به تنهایی یعنی «آن‌ها»، ولی گاهی به صورت «این» یا «آن» هم ترجمه‌شان می‌کنیم:

هُؤُلَاءِ لَاعِبُونَ. ← این‌ها بازیکن هستند.

هُؤُلَاءِ اللَّاعِبُونَ، فائِزُونَ. ← این بازیکنان، پیروز هستند.

جدول اسم‌های اشاره

جمع	مثنی	مفرد	اشاره به نزدیک
هُؤُلَاءِ	هُذَانِ ، هُذَيْنِ	هَذَا	
	هَاتَانِ ، هَاتَيْنِ	هَذِهِ	
أُولَئِكَ	—	ذَلِكَ	اشاره به دور
	—	تِلْكَ	

سوالات درس اول

مهارت ترجمه

۱ جمله‌های عربی زیر را به فارسی ترجمه کنید.

- ۱ حُسْنُ السُّؤَالِ نَصْفُ الْعِلْمِ.
- ۲ الْوَلَدُ الصَّالِحُ فَخْرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.
- ۳ الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ
- ۴ رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ.

۲ ترجمه‌ی ناقص جمله‌های زیر را کامل کنید.

- ۱ آفة العلم التَّسْيَانُ. آفتِ علم (از بین برنده‌ی علم)، است.
 ۲ نعمتانِ مجهولتانِ، الضَّحَّةُ و الأمان. هستید که ناشناخته‌اند، تندرستی و
 ۳ العِلْمُ فِي الضَّعْرِ كالتَّقَشِّ فِي الخَجْرِ. علم در در سنگ است.
 ۳ صحَّةُ البدنِ نعمةٌ من عندِ اللهِ. بدن نعمتی از جانب خداست.

۳ ترجمه‌ی صحیح را مشخص کنید.

- ۱ مُجالسةُ العُلَماءِ عِبادةٌ. الف) مجلسِ علما همراه با عبادت است.
 ۲ أدبُ المرءِ، خَيْرٌ مِن ذَهَبِهِ. ب) همنشینی با علما عبادت است.
 ۱ الف) ادب انسان، بهترین طلاست برای او. ب) ادب مرد، بهتر از مال و منالش است.
 ۳ عداوةُ العاقلِ خَيْرٌ مِن صداقةِ الجاهلِ. الف) دشمنی عاقل بهتر از دوستی جاهل است.
 ۱ الف) دشمنی عاقل با نادان است. ب) دشمنی کردن با عاقل بهتر از دوستی کردن با نادان است.

۴ کلمات به هم ریخته‌ی زیر را با توجه به ترجمه مرتب کنید.

- ۱ الزَّجَلُ - ذلك - قویٌّ - كالجبل. **ترجمه** آن مرد مانند کوه قوی است.
 ۲ ذلك - تلك - الشَّجْرَةُ - جمیلةٌ. (یک کلمه اضافه است). **ترجمه** آن درخت زیباست.
 ۳ واحدٌ - رأی - رأیان - مِنْ - خیرٌ. **ترجمه** یک نظر بهتر از دو نظر است.

مهارت واژه‌شناسی

۵ نام هر تصویر را زیر آن بنویسید.



..... ۴



..... ۳



..... ۲



..... ۱

۶ متضاد کلمات زیر را از بین کلمات داخل کادر انتخاب کنید و بنویسید. (یک کلمه اضافه است).

واقف، عداوة، بانع، مَبِيت

- ۱ صداقةٌ ۲ جالسٌ ۳ حَيٌّ

۷ معنای کلمات مشخص شده در عبارات زیر را بنویسید.

- ۱ العالمُ بلا عملٍ كالشَّجَرِ بلا ثَمَرٍ.
 ۲ طَلَبَ العِلْمَ فَرِيضَةً.
 ۳ تَفَكَّرَ ساعةً خَيْرٌ مِن عِبادةٍ سَبْعِينَ سنةً. /

۸ موارد خواسته شده در جدول را از عبارات زیر تشخیص دهید و جدول را کامل کنید.

● الضیوف فی الغرفة. ● رأیان خیر من رأی واحد. ● المؤمنون فی الجنة. ● أولئک الطیبات.

اسم اشاره	اسم مثنی	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر

۹ در جای خالی اسم اشاره‌ی مناسب قرار دهید.

- ۱ الرجال وَجَدُوا صندوقَ الكنزِ. هؤلاء تلك ذلك
- ۲ اللاعبُ الفائزُ من إيرانَ. هذه ذلك هؤلاء
- ۳ المرأةُ، شاعرةٌ. ذلك تلك هذا
- ۴ الطالبانِ، ممتازانِ. هذانِ هاتانِ هؤلاء
- ۵ إمرأتانِ، نظيفتانِ. هذانِ هاتانِ هذه

۱۰ با توجه به کلمات، مورد خواسته شده روی پیکان را بنویسید.

- ۱ طَبِيبَةٌ ← جمع ۲ بنت ← جمع ۳ جالِسَةٌ ← جمع ۴ مُجاهِد ← جمع ۵ معلّم ← مثنی ۶ صابِرَةٌ ← مثنی ۷ ناچِجَةٌ ← مثنی ۸ لَاعِب ← مثنی

۱۱ با توجه به دانش تان از درس، عبارت‌ها را به کلمه‌های مرتبط وصل کنید.

- ۱ خیر الامور • موتُ الأحياء
- ۲ الجهل • فَرِيضَةٌ
- ۳ طلبُ العلم • أوَسَطُهَا
- ۴ حَسَنُ السَّوَالِ • نِصْفُ العِلْمِ

پاسخ‌سؤالات درس اول

راهنمایی

یادتون باشه هر وقت به عبارت ناشناخته رسیدید:

- ۱- کلمات رو تک تک معنا کنید.
- ۲- در صورت امکان بنویسیدشون روی یک تکه کاغذ.
- ۳- سعی کنید اون قدر با این کلمات بازی کنید تا مفهوم یک پارچه و قابل فهمی بگیرید.

پاسخ ۱

- ۱ خوب سؤال کردن (سؤال خوب) تیمی از علم است.
- ۲ فرزند صالح ماهی فخر پدر و مادر است.
- ۳ روزگار دو روز است: یک روز با تو و یک روز بر تو (علیه تو).
- ۴ خشنودی و رضایت خدا در خشنودی پدر و مادر است.

پاسخ ۲

- ۱ «النَّسيان»: فراموشی. معنی جمله: از بین برنده‌ی علم فراموشی است.
- ۲ «نعمتان» (اسم مثنی): دو نعمت. «امان»: امنیت. معنی جمله: دو نعمت ناشناخته‌اند: تندرستی و امنیت.
- ۳ «الصَّغَر»: «کودکی»، «ک» یعنی «مانند»، وقتی بخواهیم چیزی را به چیزی تشبیه کنیم در جمله از حرف «ک + ...» استفاده می‌کنیم. «نقش» هم می‌شود همان نقش! معنی جمله: علم در کودکی مانند نقش است در سنگ است.
- ۴ «صِحَّة»: سلامت. معنی جمله: سلامت بدن نعمتی از جانب خداست.

پاسخ ۳

- ۱ گزینه‌ی «مَجَالِسَة»: همنشینی، معنای مصدری دارد. ضمناً، کلمه‌ی «با» در گزینه‌ی «الف» در عبارت عربی نیامده است.
- ۲ گزینه‌ی کلمه‌ی «خَيْرٌ» می‌شود «بهتر» نه «بهترین».
- ۳ گزینه‌ی «عداوة» هم مثل «صداقة» معنای مصدری دارد: عداوة: دشمنی کردن، «صداقة»: دوستی کردن.

پاسخ ۴

- ۱ «ذَلِكَ الرَّجُلِ كَالْجِبِلِ قَوِيٌّ»: آن مرد مانند کوه قوی است. به همین راحتی، کلمه به کلمه.
- ۲ «تِلْكَ الشَّجَرَةُ، جَمِيلَةٌ»، اسم اشاره‌ای که مناسب کلمه‌ی مؤنث «الشَّجَرَةُ» باشد، «تِلْكَ» است، نه «ذَلِكَ».
- ۳ رأیان خَيْرٌ مِنْ رَأْيٍ وَاحِدٍ.

پاسخ ۵

- ۱ اشاره به پنجره: «تِلْكَ النَّافِذَةُ»
- ۲ کوه: «جَبَلٌ»
- ۳ صندلی: «كُرْسِيٌّ»، دو صندلی: «كُرْسِيَّانٌ»
- ۴ کلید: «مِفْتَاحٌ»، کلیدها: «مِفْتَاحِيحٌ»

پاسخ ۶

- ۱ صداقة (دوستی کردن) ≠ عداوة (دشمنی کردن)
- ۲ جالِس (نشسته) ≠ واقِف (ایستاده)
- ۳ حَيٌّ (زنده) ≠ مَوْت (مرده)

پاسخ ۷

- ۱ مانند درخت
- ۲ واجب دینی
- ۳ یک ساعت - هفتاد **دَقِيقَةً** جمع مکسر سنه: سنوات

پاسخ ۸

اسم اشاره	اسم مثنی	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
أولئك	رأیان	المؤمنون	الطبيبات	الضيوف

● علامت‌های جمع و مثنی:

علامت مثنی: اِن - يْن

علامت جمع مذکر سالم: وَنَّ - يَنَّ

علامت جمع مؤنث سالم: اَت

● اسم‌های اشاره:

(نزدیک) هَذَا / هَذِهِ ← هَؤُلَاءِ ← هَذَانِ / هَاتَانِ (مثنی)
مذکر مؤنث جمع مذکر مؤنث

(دور) ذَلِكَ / تِلْكَ ← أُولَئِكَ ← هَذَيْنِ / هَاتَيْنِ (مثنی)
مذکر مؤنث جمع مذکر مؤنث

پاسخ ۹

۱) برای «الرجال» که جمع مکسر و مذکر است باید از «هؤلاء» استفاده کرد.

۲) «اللاعب» کلمه‌ای است مذکر و فقط «ذلك» می‌تواند در این جای خالی قرار بگیرد.

۳) «المرأة» مؤنث است، پس فقط «تلك» می‌تواند صحیح باشد.

۴) «طالبان» اسمی است مذکر و مثنی (ت یا ة ندارد، اِن دارد)، پس ← هَذَانِ

۵) هَاتَانِ - إمرأتانِ = إمرأةٌ + اِنِ ← مؤنث و مثنی

۲ ۱ ۲ ۱

پاسخ ۱۰

۱) طبيبات جمع بستن یک اسم مؤنث؛ ۱) حذف «ة» انتهای آن ۲) اضافه کردن «ات» به انتهای آن

۲) نباتات: این کلمه جمع مکسر دارد، اشتباه نگیرید با انواع جمع دیگر. ۳) جالسات

۴) مُجَاهِدُونَ - مُجَاهِدِينَ؛ علامت جمع مذکر سالم: وَنَّ - يَنَّ

۵) معلّمان - معلّمين؛ علامت مثنی، اضافه کردن اِن و يْن است (فرقی هم ندارد مؤنث باشد یا مذکر، ما اضافه می‌کنیم).

۶) صابراتان - صابرتين ۷) ناجحتان - ناجحتين ۸) لاعبان - لاعبتين

پاسخ ۱۱

۱) خَيْرُ الامور اَوْسَطُهَا. (بهترین کارها میانه‌روترین آن‌ها است.) ۲) الْجَهْلُ مَوْتُ الأحياء. (نادانی مرگ زندگان است.)

۳) طَلَبَ العِلْمَ فَرِيضَةً. (خواستن علم واجب دینی است.)

۴) حَسُنْ سؤَالِ نِصْفِ العِلْمِ. (خوب سؤال کردن (سؤال خوب) نصف علم است.)